انهدام خط لوله انتقال سوخت قاچاق

فرمانده مرزبانی هرمزگان از شناسایی و انهدام ده هزارمتر خط لوله انتقال سوخت قاچاق در سواحل روستای سلخ جزیره قشم خبر داد.

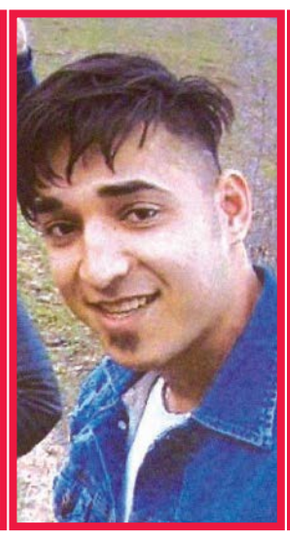
حسین دهکی به مهر گفت: در اجرای طرح مبارزه با قاچاق سوخت مرزبانان پایگاه دریابانی قشم با انجام اقدامات اطلاعاتی موفق شدند مسیر انتقال سوخت قاچاقچیان را در سواحل روستای سلخ این جزیره و زیر ماسه‌های دریا شناسایی و متلاشی کنند. تحقیقات نشان می‌داد، قاچاقچیان با لوله‌گذاری در چند محور به طول بیش از ۴۰۰۰ متر مربع در نوار ساحلی روستای سلخ، سوخت قاچاق را از طریق لوله‌های مخصوص ۴ اینچی به دریا منتقل و از طریق شناور سوخت قاچاق را به خارج از مرزهای کشور قاچاق می‌کردند. با تلاش مرزبانان شهرستان قشم چند سرشاخه لوله‌های انتقال سوخت منهدم و خسارت سنگینی به قاچاقچیان سوخت وارد شد. در این عملیات لوله‌های ۴ اینچی مدفون شده به طول ده هزار متر نیز از زیر ماسه‌های ساحل بیرون آورده شد.



افشای جزئیات شکنجه ۲۰ گروگان در مخفیگاه مخوف در ملارد

گروگان‌ها میزناهارخوری ما بودند







چهره متهمان پرونده با دستور قضایی بدون پوشش منتشر شده است

گروه حوادث

پسر ۲۵ ساله با تشکیل باند تبهکاری با ربودن مسافران و رانندگان خودروهای عبوری از آنها اخاذی میلیونی می‌کرد. او و اعضای باندش شاکیان را تا دو شبانه روز در خانه‌ای حبس و شکنجه داده و از آنها به‌عنوان میز ناهارخوری استفاده می‌کردند.

به گزارش جام جم، روزهای پایانی دی امسال مردی با حضوردر شعبه پنجم بازپرسی دادسرای شهر ملارد از سه مرد به اتهام آدم‌ربایی، سرقت و اخاذی میلیونی شکایت کرد. پس از این شکایت، با دستور بازپرس حمید رضا نوایی، تحقیقات ماموران پلیس آگاهی ملارد برای دستگیری متهمان فراری آغاز شد.

شاکی به افسر تحقیق گفت: ساعت ۲۳ و ۱۵ دقیقه بود که در میدان امام حسین(ع) کرج از سرویس شرکت محل کارم پیاده شدم تا با سوار شدن به خودروی عبوری به خانه‌ام بروم. پژو ۴۰۵ مشکی که سه سرنشین داشت مقابلم توقف کرد و با گفتن مقصدم به راننده سوار شدم اما او و همدستانش به سمت ملارد تغییر مسیر دادند و با قمه و چاقو مرا به مرگ تهدید کرده و در خانه‌ای زندانی کردند. پول، کارت بانکی، مدارک هویتی و گوشی‌ام را دزدیدند. در ادامه موجودی کارت بانکی‌ام را خالی کردند. دست و پایم را با طناب بستند و شکنجه‌ام دادند. برای زنده ماندنم، ۱۵ میلیون تومان پول خواستند. به ناچار در تماس با خانواده‌ام و دوستانم ده میلیون و ۲۰۰ هزارتومان پول جمع کردم که آن پول را از حسابم برداشت کردند. آنها بعد از دو شبانه‌روز شکنجه مرا در اطراف ملارد رهایم کردند. با کمک راننده عبوری توانستم با خانواده‌ام تماس بگیرم و کمک بخواهم.

تحقیقات در این باره ادامه داشت تا این‌که افراد دیگری نیز با حضور در پلیس آگاهی ملارد شکایت‌های مشابهی را مطرح کردند که در دام همان متهمان فراری گرفتار شده‌اند. تحقیقات نشان داد، متهمان مسافر و مسافربران را ربوده و برای اخاذی دو روز در شکنجه گاهشان زندانی کرده و بعد از اخاذی ده تا ۲۰ میلیون تومانی طعمه‌ها را رها می‌کردند.

جست‌وجوها ادامه داشت تا این‌که مالک خودروی ام‌وی‌ام با حضور در پلیس آگاهی شکایت کرد که خودرویش از سوی دو مرد و دو زن سرقت شده است. تحقیقات از وی نشان می‌دادکه متهمان با تصادف ساختگی خودرویش را در محله صفادشت شهریار دزدیده‌اند. با جمع‌بندی این اطلاعات معلوم شد که سارقان همان متهمان فراری تحت تعقیب پلیس هستند. این در حالی بود که سرانجام چند روز پیش، ماموران کلانتری ۱۱ ملارد هنگام گشت زنی در خیابان متوجه خودروی پژو ۴۰۵ مشکی شدند که آن را زیرنظر گرفتند و معلوم شد خودرو سابقه توقیف به اتهام سرقت دارد. در ادامه راننده جوان خودرو دستگیر شد.

اعتراف به شکنجه قربانیان

متهم ۲۵ ساله به نام میلاد در تحقیقات اعتراف کرد که سرکرده باند این سرقتها و آدم‌ربایی‌های سریالی بوده است. متهم سابقه چهار مورد ایراد ضرب و جرح عمدی با چاقو و مشارکت در نزاع دسته جمعی را دارد.

متهم به افسر تحقیق گفت: چندی پیش زمانی که از محل کارم اخراج شدم همراه دو نفر از دوستانم و یک مادر و دختر، باند سرقت تشکیل دادیم. من و دو جوان همدستم، به‌عنوان مسافر یا مسافربردر حوالی شهریار، ملارد، کرج و فردیس سوژه‌هایمان را انتخاب و با چاقو و قمه آنها را به مرگ تهدید کرده و می‌ربودیم، اموالشان را سرقت می‌کردیم و در خانه‌ای که پاتوقمان بود دو شبانه روز آنها را زندانی کرده و شکنجه شان می‌دادیم. در تماس با خانواده‌هایشان در برابر آزادی آنها پول می‌گرفتیم. وی افزود: هنگام خوردن غذا، طعمه را مجبور می‌کردیم چهار دست و پا شود و روی کمر او غذا می‌خوردیم. تاکنون ۲۰ نفر را ربوده، شکنجه داده و ده تا ۲۰ میلیون تومان از خانواده‌هایشان اخاذی کردیم. دختر مورد علاقه‌ام گاهی در این سرقت‌ها با ما بود و گاهی با مادرش از گروگان‌های ما نگهداری می‌کردند. با اعتراف وی، یکی از همدستانش نیز بازداشت شد و به همدستی در این سرقت‌ها اعتراف کرد. تحقیقات برای دستگیری سه عضو فراری باند ادامه دارد.

شناسایی راننده پژو مرگ

پسر جوان که چند روز بعد از گرفتن گواهینامه با زنی تصادف کرده و مرگ او را رقم زده بود، پس از فرار از صحنه تصادف شناسایی و روانه زندان شد.

به گزارش جام جم، ۲۷ دی‌ماه امسال ماموران کلانتری شهرک قدس تهران در جریان تصادف زن ۴۳ ساله‌ای با یک دستگاه پژو ۲۰۶ در چهارراه سرو قرار گرفتند. راننده خودرو پس از این تصادف از محل متواری و زن مجروح به بیمارستان منتقل شده بود.

تحقیقات در این باره ادامه داشت تا این‌که ۱۳ روز بعد از بیمارستان خبر رسید زن مجروح بر اثر شدت صدمات وارده جان باخته است.

با مرگ زن عابر پرونده برای رسیدگی به اداره ویژه قتل تهران ارسال شد که کارآگاهان با بررسی دوربین‌های مداربسته شماره پلاک خودرو و مالک آن به نام محمدرضا ۳۰ ساله را شناسایی کردند. با دستور قضایی محمدرضا دستگیر شد و در تحقیقات عنوان کرد؛ خودرو را ۳۰ مرداد به صورت وکالتی به فردی به نام حمید فروخته و در این مدت اقدامی برای تعویض پلاک نکرده است.

حمید نیز دستگیر و مدعی شد خودرو را به صورت وکالتی به دامادش به نام علیرضا فروخته است.

علیرضا به اداره دهم احضار شد و در تحقیقات با تکذیب اظهارات حمید گفت: من خودرو را یکم بهمن برای پدرم خریدم و در زمان حادثه خودرو در اختیار ما نبوده و از موضوع تصادف اطلاعی ندارم.

در شرایطی که هر سه متهم منکر دخالت در تصادف بودند، در شاخه‌ای از تحقیقات مشخص شد، خودرو درزمان تصادف در اختیار پسر ۱۸ ساله علیرضا به نام مرتضی بوده است. همچنین ماموران دریافتند، خودرو پس از تصادف به یک مغازه تعویض شیشه در سعادت‌آباد منتقل و در آنجا شیشه جلوی خودرو تعویض شده بود.



صاحب مغازه در اظهاراتش گفت: اواخر دی‌ماه برای تعویض شیشه یک خودرو ۲۰۶ به آدرس خانه‌ای در منطقه سعادت‌آباد رفته و شیشه جلو یک دستگاه خودرو پژو ۲۰۶ سفیدرنگ را تعویض کردم. افراد حاضر در محل مدعی بودند خودرو چند روز قبل در اختیار پسرشان بوده که در درگیری با افرادی ناشناس این اتفاق رخ داده است.

او با مشاهده تصاویر مظنونان پرونده، مرتضی را به عنوان راننده خودرو معرفی کرد. با دستگیری مرتضی او در بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد و گفت: روز حادثه قرار بود دنبال برادرم در میدان شهرداری بروم. در چهارراه سرو بعد از سبز شدن چراغ قصد سبقت از خودرویی را داشتم که با زنی تصادف کردم. به خاطر این‌که تازه گواهینامه گرفته بودم، ترسیدم و از محل فرار کردم.

سرهنگ کارآگاه علی ولیپور گودرزی، معاون مبارزه با جرایم جنایی پلیس آگاهی تهران بزرگ، با اعلام این خبر گفت: با اعتراف صریح متهم، قرار قانونی از سوی بازپرس شعبه چهارم دادسرای ناحیه ۳۲ تهران صادر و پسر جوان به زندان معرفی شد.

خواسته شوم مزاحم اینستاگرامی

پسر جوان که برای رسیدن به خواسته شوم خود، دختر جوان را در اینستاگرام تهدید کرده بود با ردیابی‌های پلیس فتا دستگیر شد.

به گزارش جام جم، اوایل اسفند امسال دختر جوانی به نام تینا با مراجعه به پلیس فتای تهران با طرح شکایتی گفت: چندی قبل پسر جوانی با ورود به صفحه شخصی‌ام در شبکه اجتماعی اینستاگرام ابتدا پیشنهاد دوستی را مطرح کرد که توجهی به این درخواست نکردم. مدتی گذشت اما پسر جوان دست بردار نبود شروع به ارسال پیام‌های نامتعارف و پیشنهادهای شوم کرد تا این‌که وارد مرحله تهدید شد.

تیم کارشناسان پلیس فتا پس از تحقیقات ابتدایی پی بردند دختر جوان هیچ شناختی نسبت به پسر جوان ندارد و تصویر او را فقط در اینستاگرام مشاهده کرده است. در حالی که هیچ سرنخی از متهم در دست نبود، ماموران پلیس فتا توانستند پسر جوان به نام میثم ۳۱ ساله را شناسایی کنند. پسر جوان ابتدا مدعی بود، بی‌گناه است اما وقتی در برابر مدارک بر علیه خودش قرار گرفت، گفت: هیچ شناختی از دختر جوان نداشتم. پس از مشاهده عکسش در اینستاگرام شروع به چت کردم و درخواست دوستی و درخواست‌های شوم دادم اما بی فایده بود، به همین خاطر تعدادی از عکس‌های دختر جوان را برداشتم و با تهدید برایش ارسال کردم و گفتم اگر پیشنهادم را قبول نکند تصاویرش را با تهمت‌های سیاه در فضای مجازی منتشر می‌کنم که پیشنهادم را نپذیرفت. خودم هم نمی‌دانم چرا او را تهدید کردم و از کار خودم پشیمانم.

سرهنگ تورج کاظمی، رئیس پلیس فتای تهران در این باره گفت: پرونده پس از تکمیل و جمع‌آوری مستندات لازم به دادسرای مبارزه با جرایم رایانه‌ای ارسال شد.

مرگ مشکوک در بزم شبانه

زن جوان در مهمانی شبانه خانه مجردی‌اش به‌طور مشکوکی فوت کرد.

به گزارش جام جم، ساعت یک و ۲۰ دقیقه شنبه یکی از ماموران کلانتری شهرزیبا در تماس با بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران، او را در جریان مرگ مشکوک زن جوانی در خانه مجردی‌اش در غرب تهران خبر داد. بازپرس جنایی و تیم تحقیق پلیس آگاهی در آنجا حاضر شده و مشاهده کردند که زن ۳۴ ساله براثر خفگی فوت شده است. جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و سه مردی که در آن خانه بودند، بازداشت و مورد تحقیقات قرار گرفتند.

در جریان تحقیقات دو نفرشان به پلیس گفتند که همراه مرد دیگری مهمان خانه زن آشنا بودند که همه در آنجا مشروب نوشیدند و بعد آنجا را ترک کردند. بعد از آن با دوستشان و آن زن هر چه تماس گرفتند پاسخی ندادند. بناچار دوباره به آن خانه بازگشته‌اند که جسد حلق آویز شده او را در کمد دیواری یافتند. دوستشان نیز در یکی از اتاق‌ها خواب بوده و متوجه مرگ زن جوان نشده بود.

با طرح دو فرضیه قتل و خودکشی تحقیقات از آنها درباره مرگ مشکوک زن جوان در پلیس آگاهی تهران ادامه دارد.

محاکمه دزدانی که عاشق گوشی «آیفون» بودند

پسران جوان که پس از آزادی از کانون اصلاح و تربیت شبکه سرقت تشکیل داده و گوشی‌های آیفون را سرقت می‌کردند، دیروز پای میز محاکمه ایستادند.

به گزارش جام جم، در جلسه رسیدگی به این پرونده که دیروز در شعبه ۹ دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی محمدی کشکولی برگزار شد، ابتدا نماینده دادستان کیفرخواست را خواند و گفت: حامد، محمد، رضا و احسان که همگی در کانون اصلاح و تربیت با هم آشنا شده‌اند، متهم هستند مرتکب ۲۸ فقره سرقت گوشی تلفن همراه در محدوده غرب تهران و در خیابان‌های سعادت آباد، ستارخان، گیشا و شهرزیبا شده‌اند. اکنون با توجه به شکایت شاکی‌های پرونده برای آنها اشد مجازات درخواست می‌کنم. سپس ۱۲ شاکی از ۲۸ شاکی که در دادگاه حضور داشتند در جایگاه ویژه ایستادند و به تشریح جزئیات ماجرا پرداختند. یکی از آنها گفت: وقتی پسران جوان به من حمله کردند، مقاومت کردم و کوشیدم گوشی تلفن همراهم را به آنها ندهم. اما یکی از آنها با قمه به دستم زد که تاندون آن قطع شد. من چندین عمل جراحی انجام داده‌ام، اما هنوز دستم مانند قبل قادر به حرکت نیست.

دومین شاکی زن جوانی بود که گفت: من آن شب لباس اسپرت پوشیده بودم و در خیابان پیاده روی می‌کردم که پسران جوان به من حمله کردند. آنها گمان کرده بودند من پسر هستم به همین دلیل با بطری به سرم ضربه زدند و گوشی تلفن همراهم را دزدیدند.

در ادامه حامد به دفاع پرداخت. وی گفت: من ۲۸ فقره گوشی آیفون را قبول ندارم و فقط یکی از سرقت‌ها را که زیر پل گیشا رخ داده، قبول دارم که فیلم آن توسط دوربین مداربسته ضبط شده است. ۱۶ ساله بودم که در یک دعوای خیابانی شرکت کردم، اما چون در آن دعوا چند گوشی تلفن همراه گم شده بود سرقت گوشی را گردن من انداختند و مرا بازداشت کردند. آن زمان به چهار سال و نیم زندان محکوم شدم. سه سال را در کانون اصلاح و تربیت سپری کردم تا این‌که در مجازاتم تخفیف گرفتم و آزاد شدم. یک ماه بعد از آزادی بار دیگر به اتهام این سرقت دستگیر شدم. من بی گناهم و آن روز برای خرید گوشی همراه دوستم به یک پاساژ رفته بودم، اما ماموران سر رسیدند و مرا دستگیر کردند.

ماموران سپس محمد احسان و رضا را نیز بازداشت کردند. وی درباره سرقتی که فیلم آن را دوربین مداربسته ضبط کرده بود به قضات دادگاه گفت: بعد از آزادی از کانون اصلاح و تربیت با دختر جوانی آشنا شدم و با او نامزد کردم. قرار بود با او ازدواج کنم به همین خاطر تصمیم گرفتم دست به سرقت بزنم. من زیر پل گیشا گوشی یک عابر را سرقت کردم و چند روز بعد آن را به مادر دختر مورد علاقه‌ام دادم.



سپس محمد به دفاع پرداخت و گفت: من و حامد در کانون اصلاح و تربیت با هم آشنا شده بودیم، اما بعد از آزادی از کانون دست به سرقت نزدیم. من نوجوان بودم که به اتهام ۱۲۰ فقره سرقت لوازم داخل خودرو بازداشت شدم و به ۱۲ سال زندان محکوم شدم. اما حکم زندانم در دیوان عالی کشور تایید نشد و بار دیگر در دادگاه اطفال محاکمه و پس از جلب رضایت ۳۶ شاکی به سه سال نگهداری در کانون اصلاح و تربیت محکوم شدم. باور کنید من در هیچ کدام از سرقت گوشی‌های آیفون حضور نداشتم.

سپس رضا که افغان است در جایگاه ویژه ایستاد و اتهامش را انکار کرد. او گفت: وقتی برای خرید گوشی تلفن همراه با دوستم به یک پاساژ رفته بودم ماموران در اجرای طرح مبارزه با مالخرها به آنجا آمدند و مرا هم بازداشت کردند. من بی‌گناهم.

ادامه رسیدگی به این پرونده به خاطر حضور نیافتن احسان در دادگاه، به روزهای آینده موکول شد.

دزدان پس از آشنایی در کانون اصلاح و تربیت تصمیم گرفتند بعد از آزادی از عابران گوشی آیفون سرقت کنند

تلنگر

سرقت از خودروها در ۱۰ ثانیه!

پسر سابقه دار که با همدستی دوستش و دختر فراری شیشه‌ای از خودروهای پراید و پژو سرقت می‌کرد، دستگیر شد. متهم در ده ثانیه از خودروها سرقت می‌کرد.

به گزارش جام جم، از چندی پیش افرادی با حضور در اداره ۲۰ پلیس آگاهی تهران شکایت‌هایی را مطرح کردند که نشان می‌داد زمانی که خودروهای پراید و پژو ۲۰۶ و پژو ۴۰۵ خودرا در محله پیروزی پارک کرده‌اند، لوازم داخل خودرو و وسایل موجود در صندوق عقب آن به سرقت رفته است.

با تشکیل پرونده‌ای در شعبه چهارم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران با دستور دادیار مدرس، تحقیقات پلیسی در این باره آغاز شد. تحقیقات نشان می‌داد، در میان اموال برخی مالباختگان، مقادیری طلا هم بوده که آنها را برای فروش یا تعویض با خود می‌بردند که از داخل خودروهایشان سرقت شده است.

ماموران در بازبینی دوربین‌های مداربسته محل‌های سرقت تصویر یک دختر جوان و دو پسر را به دست آوردند. ماموران تصویر آنها را با بانک مجرمان پلیس آگاهی مطابقت دادند که معلوم شد، هر سه شیشه‌ای بوده و سابقه دار هستند. سرانجام دو روز پیش شهروز یکی از متهمان سابقه‌دار که ۲۵ ساله بود، هنگام سرقت از صندوق عقب خودرویی درمحله پیروزی شناسایی و بازداشت شد.

متهم به افسر تحقیق گفت: تا سیکل بیشتر درس نخواندم. زمانی که ۱۸ ساله بودم شیفته دختر خاله ۱۵ ساله‌ام شدم، اما کاروپول نداشتم. برای این‌که هدایای گران قیمت برای اثبات عشقم برای او بخرم با پسر سابقه دار و خلافکاری در پارک دوست شدم. او هفت سال پیش شیوه دزدی را به من آموزش داد. با فروش وسایل سرقتی، دختر خاله‌ام را به رستوران‌های شیک برده و برای او کادوهای گران‌قیمت می‌خریدم که با افشای سرقت‌هایم مراترک کرد.

شاکی ادامه داد: چند بار به زندان افتادم و آخرین بار زمانی که آزاد شدم، سرقت لوازم داخل خودرو و صندوق عقب خودروها در محله پیروزی را با دوستم و دختری شیشه‌ای که در پاتوق خلافکارها با او آشنا شده بودم، شروع کردم. دیگر آن‌قدر حرفه‌ای شده بودم که ده ثانیه‌ای سرقت می‌کردم.

با اعتراف متهم، تحقیقات برای دستگیری دختر و پسری که با او در این سرقت‌ها همدست بودند، ادامه دارد.

قتل به خاطر طلب ۳۰۰ هزارتومانی

مرد جوان زمانی که موفق به دریافت ۳۰۰ هزارتومان طلبش از پیمانکار نشد او را با ضربه چاقو از پای درآود و متواری شد.

به گزارش جام جم، ساعت ۱۲ و ۴۲ دقیقه جمعه یکی از ماموران کلانتری بی‌سیم با غلامی، بازپرس کشیک قتل دادسرای جنایی تهران تماس گرفت و از قتل مردی در ساختمان نیمه‌کاره‌ای در خیابان ذوالفقاری خبرداد. بازپرس جنایی همراه تیمی از ماموران بررسی صحنه جرم پلیس آگاهی و تیم جنایی در محل جنایت حاضر شدند. بررسی‌های اولیه در آنجا نشان داد جسد مردی ۳۲ ساله در راه پله‌های طبقه اول ساختمان افتاده که ضربه‌های چاقو به نقاط مختلف بدنش اصابت کرده، اما بر اثر ضربه‌ای که به قفسه سینه‌اش اصابت کرده به قتل رسیده است. جسد به پزشکی قانونی منتقل شد و ماموران به تحقیق از نگهبان ساختمان که جسد را یافته بود، پرداختند.

وی به افسر تحقیق گفت: مقتول، چند ماه قبل پیمانکار ساختمان شد. زمانی که بالای سرش رسیدم نام احمد را به عنوان قاتل معرفی کرد و بعد فوت شد. احمد چند روز پیش برای گرفتن طلبش نزد مقتول آمده بود که او سه میلیون تومان به او پرداخت، اما ۳۰۰ هزارتومان از پول او مانده بود. ساعت ۹ صبح جمعه احمد و دو مرد که دوستانش بودند برای دریافت ۳۰۰ هزارتومان باقیمانده به اینجا آمدند و در حال گفت‌وگو با مرد پیمانکار بودند تا پول را بگیرند. صدای داد و فریادشان را می‌شنیدم، اما ناگهان سکوت شد و گمان کردم مشکل را حل کرده‌اند. ساعتی بعد به سمت طبقه اول رفتم که دیدم مرد پیمانکار چاقو خورده و به‌سختی خود را به راه پله‌ها کشانده است. همان موقع گفت احمد او را زده و بعد فوت شد. اطراف را جست‌وجو کردم که خبری نبود و فکر می‌کنم احمد و دوستانش از ساختمان مقابل فرار کردند.

پرونده‌ای در شعبه سوم بازپرسی دادسرای جنایی تهران تشکیل شد و تحقیقات برای دستگیری قاتل فراری ادامه دارد.